

Research Paper

Syria's strategic position in Russia's energy and geo-economic equations

Ghodratollah Behboudi nejad*¹¹ Ph.D. International Relations, Jawaharlal Nehru University

10.22080/JPIR.2022.21242.1209

Received:

April 19, 2021

Accepted:

April 24, 2022

Available online:

May 31, 2022

Keywords:Energy; Geo-Economics;
Russia; Syria, Iran

Abstract

This paper seeks to explain why Russia decided to intervene in Syria in September 2015. This paper begins with the primary factors such as energy and geo-economics that precipitated the decision. These were the central drivers of the intervention in this case. We then analyze several secondary factors that played a role but would not have precipitated the intervention if the primary factors had been absent. This paper presents an analysis of the Russian intervention strategy in Syria. The question is, why did Russia intervene in the Syrian civil war? The hypothesis is that Russia intervened in Syria to take advantage of Syria's strategic position, energy and geo-economic interests. The Russian intervention in Syria was an ideal opportunity to draw closer to several powerful states in the region and a way to benefit from positive spin-offs on its arms market and hydrocarbon road plans. Despite the risks and costs associated with defending the Syrian regime, Moscow has secured its political and economic power in the Middle East. This research is based on a qualitative research method using data collection and analysis tools.

***Corresponding Author:** Ghodratollah Behboudi nejad**Address:** Ph.D. International Relations, Jawaharlal
Nehru University**Email:** Mohsenjnu@gmail.com

علمی پژوهشی

جایگاه راهبردی سوریه در معادلات انرژی و ژئو-اکنومیک روسیه

قدرت الله بهبودی نژاد*

^۱ دانش آموخته دکتری روابط بین الملل از دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو - هندوستان

doi 10.22080/JPIR.2022.21242.1209

چکیده

از سپتامبر ۲۰۱۵ که مسکو وارد تحولات میدانی سوریه شد، منافع بازیگران مختلف در این منازعه زیاد بوده و از اهمیت حیاتی برای هر کدام از آن‌ها برخوردار می‌باشد. روسیه نیز مانند سایر متحدین و مخالفین رژیم اسد در جنگ سوریه با دلایل سیاسی و ژئواکونومیک خاص خود حضور یافت. منطقه‌ی خاورمیانه در اثر منازعات بین کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متزلزل شده و بحران سوریه بر پیکربندی ژئوپلیتیک منطقه تأثیر زیادی گذاشته است. این پژوهش بر آن است که دلایل مداخله‌ی روسیه در درگیری‌های سوریه را مورد بررسی قرار دهد. پرسش این است که چرا روسیه در جنگ داخلی سوریه مداخله نمود؟ فرضیه‌ی پژوهش مبتنی بر این گزاره است که روسیه برای استفاده از موقعیت استراتژیک سوریه، مسائل مربوط به انرژی و منافع اقتصادی (ژئو-اکنومیک) خود در این کشور مداخله نموده است. حضور روسیه در سوریه فرصتی ایده‌آل برای نزدیک شدن به کشورهای قدرتمند منطقه به منظور بهره‌مندی از بازار پرسود فروش اسلحه و نیز مشارکت در برنامه‌های مسیر انتقال خطوط لوله‌ی نفت و گاز می‌باشد که سبب شده با وجود خطرات و هزینه‌ها برای حفظ رژیم اسد، مسکو قدرت سیاسی و اقتصادی خود را برای پیشبرد منافع در منطقه‌ی خاورمیانه به کار گیرد. این پژوهش عمدتاً مبتنی بر روش تحقیق کیفی با استفاده از ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است.

تاریخ دریافت:

۳۰ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۰ خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

انرژی، ژئو-اکنومیک، روسیه، سوریه، ایران.

* نویسنده مسئول: قدرت الله بهبودی نژاد

آدرس: دانش آموخته دکتری روابط بین الملل از دانشگاه جواهر ایمیل: Mohsenjnu@gmail.com

لعل نهرو، دهلی نو - هندوستان

۱ مقدمه

بیش از ۲۰ کشور درگیر جنگ داخلی سوریه بودند و چندین گروه مختلف مسلح در خاک آن کشور درگیر هستند. متحدان رژیم سوریه از جمله روسیه و ایران با حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی خود از سرنگونی دولت سوریه جلوگیری کردند.

بحران سوریه پیامدهای فاجعه‌باری نه تنها در خاک سوریه، بلکه در منطقه نیز داشته است. درگیری مداوم چندین بازیگر در طول سال‌های طولانی جنگ در سوریه باعث شده تا این پژوهش به بررسی اهمیت ژئواستراتژیک سوریه در منطقه‌ی خاورمیانه پردازد و دلایل مداخله‌ی روسیه در درگیری‌های سوریه به همراه پیکربندی جدید ژئوپلیتیک خاورمیانه، سیاست‌های روسیه و ایران را همراه با سایر سیاست‌های کشورهای متحد آمریکا مانند ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده‌ی عربی و قطر مورد کاوش قرار دهد. در این پژوهش، همچنین همکاری‌های اقتصادی و سیاسی روسیه و سایر کشورهای مهم درگیر که برای دستیابی به اهداف خود در سوریه و منطقه در حال رقابت هستند نیز مد نظر قرار گرفته است. پرسش مطرح‌شده این است که چرا روسیه تحت رهبری پوتین در سال ۲۰۱۵ تصمیم به حضور نظامی مستقیم در سپهر سوریه گرفت؟ فرضیه‌ی پژوهش بدین قرار است که روسیه با نفوذ ژئوپلیتیک در سوریه درصدد کنترل بر یکی از مسیرهای اصلی انتقال انرژی در خاورمیانه و تبدیل شدن به قدرت برتر انرژی می‌باشد. پژوهش حاضر پژوهشی متغیرمحور است و با استفاده از یک چارچوب نظری به بررسی فرضیه‌ی خود می‌پردازد. مقاله درصدد تحلیل مداخله‌ی نظامی روسیه در سوریه با هدف قدرت شدن در حوزه‌ی انرژی از طریق استفاده از چارچوب نظری انتقال قدرت است. نویسنده مدعی است که با استفاده از چارچوب فوق می‌توان دریافت که مهم‌ترین علت مداخله‌ی نظامی روسیه در بحران سوریه اهمیت ژئواکونومیک و انرژی است که به این کشور کمک می‌کند به قدرت برتر انرژی تبدیل شود. این پژوهش براساس روش تحقیق

روسیه با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی در جهان و دومین صادرکننده‌ی بزرگ نفت در تلاش است نفوذ خود را گسترش دهد و تا آنجا که ممکن است به بازارهای جهانی برسد. دولت پوتین همچنین در پی تلاش برای حفظ و افزایش قدرت اقتصادی خود، به‌ویژه در اروپا و خاورمیانه، به دنبال ایجاد اتحادهای قوی می‌باشد. درگیری‌های سوریه، روسیه را به کشورهای قدرتمند خاورمیانه نزدیک کرده و فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای آن کشور فراهم نموده است. در سایه‌ی این تحول، روسیه تلاش می‌کند ضمن تأثیرگذاری بر سیاست این کشورها آن‌ها را از ایده‌ی صدور انرژی‌شان به بازار اروپا باز دارد تا روسیه بتواند سیاست حفظ وابستگی کشور همسایه‌ی خود در اروپا و آسیا به انرژی این کشور را همچنان دنبال کند. بر این اساس، روسیه از استراتژی‌های هوشمندانه‌ی بسیاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند.

منابع بزرگ گاز، کارایی سیستم توزیع آن و همجواری روسیه با یک مشتری بزرگ با کمبود انرژی مانند اروپا، این کشور را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی گاز در دنیا تبدیل کرده است. مسکو بارها موفق شده است با استفاده از کاهش قیمت و قراردادهای تحویل بلندمدت، سایر کشورها را به حمایت از تصمیمات سیاسی خود سوق دهد و برای دستیابی به اهداف و حفظ توانایی‌های خود در تهیه‌ی سیاست‌های تحمیلی برای کشورهای مشتری انرژی‌اش، به ایجاد و حفظ انحصار تولید، انتقال و توزیع منابع ادامه می‌دهد. همچنین، همزمان حل اختلافات سیاسی در زمینه‌ی کاهش صادرات نفت و گاز با دیگر کشورها را پیگیری می‌کند. روسیه همچنین، از کاهش عرضه به‌عنوان سلاحی در سیاست خارجی خود علیه کشورهایی که در برابر افزایش نفوذ روسیه در امور سیاسی یا اقتصادی خود اعتراض می‌کنند، استفاده می‌کند.

(۲۰۱۸) در مقاله‌ی «سیاست قدرت روسیه در اوکراین و سوریه: وضعیت‌یابی بین‌هویت، فرصت و هزینه»، اثرات سیگنال‌دهی بین‌المللی و داخلی پیروزی‌های روسیه را در خارج از کشور در تعقیب وضعیت‌یابی روسیه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و استدلال کرده‌اند که پویایی‌های داخلی و خارجی باعث شده روسیه از اجبار به‌عنوان راهی برای بهبود وضعیت بین‌المللی خود استفاده کند. بیات (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا در بحران سوریه» می‌نویسد که روسیه و آمریکا به‌جای حل بحران سوریه به دنبال مدیریت آن می‌باشند تا حداکثر بهره را از بحران سوریه در راستای منافع ژئوپلیتیکی خود داشته باشند؛ به همین سبب این بحران تبدیل به یکی از طولانی‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی دوران معاصر در نظام جهانی شده است.

به نظر می‌رسد ادبیات موجود در باب سیاست خارجی روسیه به این دو موضوع اشاره‌ای نداشته‌اند: اولاً چه عاملی می‌تواند برای روسیه قدرت‌ساز باشد و ثانیاً نقش انرژی و قدرت شدن در حوزه‌ی انرژی چه میزان برای مسکو ارزشمند است. گرچه برخی پژوهشگران به عامل انرژی و اهمیت آن در سیاست خارجی روسیه پرداخته‌اند؛ اما به عامل ژئوپلیتیک انرژی در ورود نظامی روسیه به سوریه اشاره‌ای نکرده‌اند.

۳ چارچوب نظری

ماهیت طولانی‌مدت درگیری سوریه ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه و تغییرات مداوم در پویایی قدرت آن‌ها می‌باشد. همان‌طور که فریدمن می‌نویسد جنگ بی‌پایان در سوریه فقط اقدامات خشونت‌آمیز بین طرف‌های درگیر نیست؛ بلکه درمورد رویارویی بین دو قدرت نظامی بزرگ جهان یعنی ایالات متحده و روسیه هم است (Friedman, 2018). این مقاله از نظریه‌ی انتقال

کیفی و با استفاده از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها انجام شده است.

۲ پیشینه‌ی پژوهش

چندین نویسنده بر توسعه‌ی روابط روسیه، سوریه، ایران و ترکیه در چند سال گذشته متمرکز شده‌اند. سرحت^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ی «سناریوهای امنیتی سوریه در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲» ادعا دارند که ایران و روسیه هنوز نقاط مشترکی دارند و هر دو کشور آمادگی حمایت بیشتر از رژیم اسد و ادامه‌ی کار خود با ترکیه به‌عنوان بخشی از توافق آستانه هستند. ایرکین^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ی خود «سیاست خارجی روسیه در مدیترانه بزرگ‌تر: چشم‌اندازها و محدودیت‌ها» در ارتباط با رویکرد روسیه در قبال بحران سوریه عمدتاً به عوامل ژئوپلیتیک مانند اهمیت مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی اشاره دارد. واسیر^۳ (۲۰۱۹) در نوشته‌ی «محدودیت‌های استراتژی روسیه در خاورمیانه» ذکر می‌کند که مداخله‌ی سوریه پیوند بین سیاست خارجی روسیه و برداشت از عملکرد اقتصادی داخلی را بیشتر برجسته کرده است. برشچوسکی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به نام «اهداف روسیه فراتر از دمشق» که در مؤسسه‌ی واشنگتن منتشر شد، عنوان می‌کند که همکاری میان تهران-مسکو پیچیدگی‌های عمیقی در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده به وجود آورده است. به عقیده‌ی وی، ضدیت با غرب باعث شده تا آن‌ها اختلافات خود را کنار بگذارند و به سمت و سوی هم‌گرایی بیشتر پیش بروند. باو^۴ (۲۰۱۸) در مقاله‌ی «روسیه به‌عنوان فرصت‌طلب خرابکار در خاورمیانه» بازگشت روسیه به خاورمیانه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را نشان‌دهنده‌ی تمایل جدید این کشور برای شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای آینده‌ی خاورمیانه برای زمانی می‌داند که ایالات متحده از اکنون روند عقب‌نشینی تدریجی خود را از این منطقه آغاز کرده است. فریره و هلر^۵

4. Baev

5. Freire and Heller

1. Serhat

2. Irkhin

3. Wasser

عرصه‌ی نظام بین‌المللی در نظر می‌گیرند. اما حداقل از دو جنبه بین این دو تفاوت زیادی وجود دارد. اولاً، واقع‌گرایان مدعی هستند که نظام بین‌الملل آنارشیک است؛ درحالی‌که تئوری انتقال قدرت استدلال می‌کند که سلسله‌مراتبی است. دوم، گرچه هر دو در مورد پیکربندی نظام بین‌الملل برای رسیدن به بالاترین صلح ممکن صحبت می‌کنند، اما واقع‌گرایان برای تضمین صلح در میان منافع متضاد دولت‌ها بر توازن قوا تکیه می‌کنند؛ درحالی‌که طرفداران نظریه‌ی انتقال قدرت استدلال می‌کنند که توازن قوا صلح را تضمین نمی‌کند؛ بلکه زمینه‌سازی جنگ‌ها را فراهم می‌کند (Paul, 2004:5). نظریه‌ی انتقال قدرت همچنین پیشنهاد می‌کند که صلح در سیستمی حاکم است که اختلاف زیادی در موقعیت قدرت دولت‌ها وجود دارد و وجود یک قدرت مسلط روابط بین کشورها را تنظیم می‌کند. همان‌طور که ارگانسکی می‌گوید حضور یک کشور غالب در سیستم، شانس صلح را افزایش می‌دهد؛ زیرا کشورهای قدرتمند برای رسیدن به اهداف خود کمتر به جنگ اعتماد می‌کنند و سعی می‌کنند این کار را بدون استفاده از زور انجام دهند؛ درحالی‌که طرف ضعیف‌تر در حال فکر کردن به جنگ با طرف قدرتمندتر برای دستیابی به منافع خود می‌باشد (Organski, 1964:115). از این رو، سیستمی که براساس ساختار سلسله‌مراتبی به قدرت‌های مسلط بزرگ و کوچک نظم می‌دهد، صلح‌آمیزتر از نظامی خواهد بود که در آن قدرت‌های بزرگ ناراضی در خود احساس برابری با دولت غالب را داشته باشند، اینجاست که برای تغییر وضعیت موجود و افزایش قدرت خود موقعیت قدرت غالب را به چالش می‌کشند.

لمک تئوری انتقال قدرت را از سطح جهانی به سطح منطقه‌ای منتقل کرد. وی در کتاب خود «مناطق جنگ و صلح»^۳ تحلیل می‌کند که همان اصولی که سلسله‌مراتب جهانی را در اختیار دارند در

قدرت برای بیان پژوهش استفاده می‌کند. نظریه‌ی انتقال قدرت یک رویکرد ساختاری و پویا در سیاست جهانی می‌باشد (Tamer & Kugler, 2017:8) که به دلیل تمرکز بر قدرت، گاهی اوقات به واقع‌گرایی شبیه است؛ اما با آن مکتب تفاوت‌های زیادی هم دارد. پس از پایان جنگ سرد، تقریباً تمام رویکردهای روابط بین‌الملل که اساساً مبتنی بر قدرت بودند، به دلیل عدم موفقیت در پیش‌بینی پایان جنگ سرد، با عدم اقبال روبه‌رو گشتند. اما با ظهور مجدد درگیری‌ها بین قدرت‌های بزرگ جهان و «تغییر موقعیت‌های قدرت»، بار دیگر رویکردهای نظری متمرکز بر نقش قدرت در کانون توجهات قرار گرفتند (Rauch, 2018). نظریه‌ی انتقال قدرت با الگویی از روابط قدرت سروکار دارد که اغلب در سیاست‌های جهانی بروز می‌کند. این نظریه ابزاری برای اندازه‌گیری تغییرات ساختاری فراهم می‌کند که براساس آن پیش‌بینی می‌شود که چگونه تغییرات احتمالی در تاکتیک‌های همکاری یا تقابل بر احتمال حفظ صلح یا جنگ تأثیر می‌گذارد (Tammen & Lemke, 2017). همچنین، این نظریه روابط بین دولت‌ها و رضایت یا عدم رضایت آن‌ها را از زاویه‌ی توزیع قدرت در سیاست‌های بین‌المللی بررسی می‌کند. نظریه‌ی انتقال قدرت^۱ اولین بار توسط ارگانسکی^۲ در دهه‌ی ۱۹۵۰ مطرح شد. این نظریه ادعا می‌کند که سیستم جهانی از یک ساختار سلسله‌مراتبی تشکیل شده است که در آن یک کشور مسلط در نوک هرم حفظ نظم آن سیستم قرار دارد. با این حال، با ظهور قدرت‌های جدید و به اوج رسیدن آن‌ها، موقعیت قدرت کشورهای غالب تغییر می‌کند و جای خود را به قدرت‌های نوظهور می‌دهد.

شبهات‌های نظریه‌ی انتقال قدرت و رئالیسم سیاسی این است که هر دو با توجه به مسائل جنگ و صلح به بررسی نقش قدرت در نظام بین‌الملل می‌پردازند و دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران اصلی در

3. Regions of War and Peace

1. Power Transition Theory

2. A.F.K Organski

متحده به جای ایجاد صلح در جهان منجر به درگیری‌های بزرگ‌تری شده است. هر دو قدرت با حمایت از هر یک از طرف‌های مخالف در درگیری‌های سوریه، فاجعه‌ای را برای آن کشور به وجود آورده‌اند. آن‌ها به جای ایجاد صلح، درگیری‌ها را تقریباً برای یک دهه طولانی کردند. فقط به خاطر اینکه بخواهند قدرت یکدیگر را متعادل کنند یا هیچ قدرت مسلط آشکاری ظاهر نشود؛ بنابراین چشم‌انداز صلح درازمدت مبهم است، مگر آنکه یکی بر دیگری پیشی بگیرد و مناطق نفوذ خود را گسترش دهد.

همان‌طور که نظریه‌ی انتقال قدرت مطرح می‌کند، به دلیل فقدان ساختار قدرت سلسله‌مراتبی مشخص در خاورمیانه، این منطقه مستعد یک مارپیچ طولانی از جنگ‌ها و درگیری‌های ذاتی و همچنین خارجی است. جنگ داخلی در سوریه نمود عملی نظریه‌ی انتقال قدرت را نشان داد. قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، ایران و متحدان و نمایندگان متبوع آن‌ها از قدرت و توانایی‌های نظامی تقریباً برابری پیروی می‌کنند؛ از این رو جای یک بازیگر غالب در منطقه مشهود است. درگیری آن‌ها در جنگ داخلی سوریه و دیگر مناطق خاورمیانه با حمایت از طرف‌های مخالف جنگ به نام فرقه‌گرایی، برای هیچ طرفی تاکنون ثمرچندانی نداشته است؛ زیرا هر یک از آن‌ها می‌توانند به‌طور مؤثر با دیگری مقابله کنند؛ در نتیجه درگیری می‌تواند ادامه یابد. بنابراین، وضعیت متضاد بین قدرت‌های منطقه‌ای در سوریه و خاورمیانه، زمینه‌ی مساعدی برای حضور و ماندن روسیه و ایالات متحده فراهم می‌کند؛ اگرچه سلطه‌ی جهانی ایالات متحده در حال کم‌رنگ شدن است، اما روسیه تلاش می‌کند تا حداقل از نظر نظامی جای آن را بگیرد.

با نگاه کردن از دریچه‌ی تئوری انتقال قدرت، دومی (روسیه) بازیگر ناراضی در حال ظهور در صحنه‌ی جهانی است و تلاش می‌کند تا وضع موجود را تغییر دهد و به موقعیت غالب سابق دست یابد. انگیزه‌ی کسب قدرت بیشتر باعث شده است که

سطح منطقه و تعاملات دولت‌ها نیز قابل اجرا می‌باشد (Lemke, 2002). مناطقی که نظم سلسله‌مراتبی مشخصی دارند نسبت به مناطقی که چنین نظمی ندارند یا برابری قدرت بین قدرت‌های منطقه وجود دارد، پایدارتر می‌مانند. منطقه‌ی خاورمیانه فاقد چنین سلسله‌مراتبی است. کشورهای رقیب مانند عربستان سعودی و ایران و دیگر رقبای بزرگ معمولاً در درگیری‌ها و منازعات حضور دارند و برای تسلط و سلطه در منطقه درگیر می‌شوند. چنین مناطق پرکشمکشی فضایی را برای قدرت‌های جهانی فراهم می‌کند تا در جنگ قدرت در آنجا حضور یابند و سایه‌ی سنگین خود را در آنجا بگسترانند. درگیری‌های سوریه نمونه‌ی برجسته‌ای از رقابت قدرت‌های بزرگ در این‌گونه مناطق می‌باشد. به دلیل فقدان ساختار قدرت سلسله‌مراتبی منطقه‌ای و کاهش نقش ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر مسلط در سطح جهانی، بازیگران دیگری مانند روسیه و چین در حال خیزش هستند تا خلأ ایجادشده توسط ایالات متحده را پر کنند. تجدید قوای روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ ناراضی که می‌خواهد وضع موجود را تغییر دهد و قدرت را به‌سمت خود متمایل کند، از زمان قیام بهار عربی در سال ۲۰۱۱، ایالات متحده را در خاورمیانه به چالش کشیده است. این کشور به‌طور آشکار به حمایت از رژیم اسد در کنار ایران برخلاف ایالات متحده پرداخت که از شورشیان برای سرنگونی رژیم اسد حمایت می‌کرد. رقابت این دو رقیب جهانی به دوران جنگ سرد برمی‌گردد؛ جایی که آن‌ها در تلاش مداوم برای برتری یافتن بر یکدیگر و دستیابی به مقام برتر در سلسله‌مراتب جهانی بودند. مبارزات آن‌ها با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ پایان یافت و ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت یا بازیگر غالب در صحنه جهانی ظاهر شد. تجدید حیات روسیه در سال‌های اخیر با به چالش کشیدن ایالات متحده در مناطق مختلف جهان، سلسله‌مراتب جهانی را بر هم زده است. طبق تجزیه و تحلیل نظریه‌ی انتقال قدرت، تلاش‌های روسیه برای ایجاد تعادل قدرت بین خود با ایالات

که منابع گروه‌های شورشی را قطع کنند. تحریم‌ها و کنترل پالایشگاه‌ها توسط گروه‌های مختلف شورشی باعث شد تولید نفت خام سوریه به شدت کاهش یابد. طبق یک برآورد، سهم نفت بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ در بودجه‌ی جاری این کشور به ۹۸ درصد کاهش یافته است. تولید ناخالص داخلی این کشور نیز از ۴٫۷ به ۰٫۱۴ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ روند کاهشی داشته است (Coface, 2021). بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ تخمین می‌زند که تولید اقتصادی سوریه که براساس شاخص تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ تقریباً ۱۲ درصد کاهش یافته است (Andersson & Waage, 2021:14).

سال ۲۰۱۱ با فرصت‌های جدیدی در بخش نفت و گاز در سوریه همراه بود؛ زیرا میدان جدیدی از گاز طبیعی در منطقه‌ی حمص کشف شد که به توسعه‌ی انرژی این کشور کمک می‌کند (Enis, 2018:96). همچنین، منابع جدیدی از نفت در سال ۲۰۱۵ در بلندی‌های جنجال برانگیز جولان که از سال ۱۹۸۱ در اشغال اسرائیل است، کشف شده است (Nimmo, 2019). ولی مهم‌ترین منبع کشف‌شده در حوزه‌ی لوانتین^۱ است؛ جایی که آینده‌ی درخشانی در صنعت نفت و گاز دریایی برای این کشور تداعی می‌کند. این پتانسیل انرژی سوریه، برخی از دلایل اشتیاق کشورهایمانند روسیه را برای درگیر شدن در بحران سوریه روشن می‌سازد.

آشفتگی سیاسی متعددی که جهان عرب طی سال‌های اخیر تجربه کرده است، کاوش سریع پتانسیل نفت و گاز در حوزه‌ی شامات را بسیار تحت‌الشعاع خود قرار داده است. برخی از کشورهای حوزه‌ی لوانت قبلاً بهره‌برداری از کشفیات خود را آغاز کرده‌اند، اما برخی دیگر مانند سوریه به دلیل درگیری‌های سیاسی دچار عقب‌گرد شده‌اند. منبع بزرگی از هیدروکربن‌ها در آب‌های ساحل غربی

این دو رقیب جهانی با پشتیبانی از نیروهای مخالف در جنگ سوریه به عرض اندام پردازند؛ در نتیجه، به دلیل سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای دستیابی به مقام برتر در سلسله‌مراتب قدرت و دستیابی به موقعیت ژئو-اکنومیک در سوریه، جنگ داخلی در سوریه تقریباً برای یک دهه ادامه داشت و هنوز هم به ثبات چندانی نرسیده است.

۴ پتانسیل انرژی در همکاری‌های روسیه و سوریه

۴٫۱ منافع روسیه در بخش هیدروکربن‌ها

پیش از آغاز بحران سوریه، این کشور یکی از تولیدکنندگان نفت و گاز در مدیترانه‌ی شرقی بود. بیشتر میدان‌های آن در شرق کشور نزدیک مرز عراق، یا در مرکز کشور شرق شهر حمص بود. در سال ۲۰۱۰، ۹۰ درصد صادرات آن به اتحادیه‌ی اروپا انتقال می‌یافت (Godat&Kostial, 2016:10). خسارات وارده در اثر درگیری‌ها و تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا علیه رژیم سوریه دیگر اجازه‌ی ادامه‌ی تولید به شرکت‌های چندملیتی در این کشور را نداد. عمده دلایل تخریب اقتصاد سوریه را می‌توان ناشی از کاهش شدید صادرات نفت و گاز، همچنین عواید گردشگری به‌عنوان دو تا از بزرگ‌ترین عوامل کاهش درآمد این کشور نسبت به قبل از جنگ دانست (Cordesman, 2017:8).

ارتش سوریه حتی با وجود خسارات متعدد در بخش نفت و گاز، تلاش کرد اولویت خود را در مدیریت انرژی و همچنین تصرف مجدد مناطق و حوزه‌های انرژی این کشور از سیطره‌ی گروه‌های مخالف قرار دهد؛ زیرا علاوه بر اینکه تولید برق برای تأمین نیازهای مردم و افزایش نرخ اقتصادی کشور ضروری است، برای رژیم اسد و متحدانش مهم بود

^۱. Levantine basin

می‌دهد؛ بلکه در منطقه‌ی خاورمیانه نیز تأثیر می‌گذارد. در واقع، کنترل بر خطوط انرژی هیدروکربن سوریه برای روسیه بسیار مهم است؛ زیرا این کشور می‌تواند توانایی تأثیرگذاری بر قیمت‌های انرژی را به نفع خود داشته باشد. تصرف مجدد سرزمین‌های گرفته‌شده از داعش و سایر گروه‌های شورشی فقط یک هدف نظامی نبود؛ بلکه یک هدف اقتصادی استراتژیک برای مداخله‌ی روسیه در سوریه نیز بود. هر منطقه‌ی انرژی که دوباره تحت کنترل دولت سوریه درآمد، سهام انرژی آن از طرف رژیم سوریه به شرکت‌های روسی قول داده می‌شود (Pichon, 2018:153).

۴،۲ همکاری‌های نظامی و استراتژیک

روسیه برای حفظ اسد تا آنجا پیش رفت که در برابر جامعه‌ی بین‌المللی ایستاد؛ چراکه رفتن اسد برای روسیه و شرکت‌های نفت و گاز آن کشور ضرر خواهد داشت. بنابراین، مسکو همچنان از حق وتو و قدرت سیاسی بین‌المللی خود برای حمایت از دولت بشار اسد استفاده می‌کند تا مانع از آن شود که سوریه به سرنوشت لیبی دچار شود. درگیری‌ها در لیبی و عراق منجر به خسارات اقتصادی قابل‌توجهی برای منافع روسیه شد و مقامات روسیه به صراحت گفته‌اند که چنین سناریوهایی نباید درسوریه تکرار شود (Kozanov, 2017:105). سوریه همچنان شریک اصلی در بازار اسلحه روسیه است؛ حتی اگر خریدهای آن با خرید برخی از کشورهای خاورمیانه هم‌ترازی نداشته باشد. این تجارت از آنجا که صادرات تسلیحات در روسیه به منبع اصلی اشتغال در بخش نظامی - صنعتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شده است، برای روسیه دارای اهمیت است. براساس گزارش سیپری^۲ صنعت صادرات تسلیحات روسیه در سال ۲۰۱۸ به ارزش ۱۸۱ میلیون دلار و در سال ۲۰۲۰ به ارزش ۷۲ میلیون دلار تسلیحات صادر کرده است. روسیه

سوریه کشف شده و پروژه‌هایی برای بهره‌برداری از آن آغاز شده است (Nada, 2020:13).

طبق اظهارات وزیر نفت سوریه، برآورد می‌شود که این کشور ۱۲۵۰ میلیارد متر مکعب گاز در امتداد سواحل مدیترانه‌ای خود داشته باشد. در سال ۲۰۱۳، قراردادی ۲۵ ساله بین شرکت روسی «سایوز نفت گاز»^۱ و وزارت نفت و منابع معدنی سوریه برای اکتشاف در سواحل مدیترانه‌ای سوریه امضا شد (Enis, 2018:98). با این حال، طولانی شدن جنگ، این پروژه را در سال ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآورد تا آنکه از سال ۲۰۱۹ تحت شرایط کم‌خطرتر در حال از سر گرفته شدن است. اعتقاد بر این است که چنین پروژه‌هایی در سوریه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری آینده‌ی روسیه و همچنین امکان سرمایه‌گذاری مشترک در این بخش بسیار مهم می‌باشد. بدون شک بیشترین سود در طی سال‌های اخیر براساس توافق‌ها به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های روسی تعلق گرفته است. با این حال، سوریه می‌تواند از زیرساخت‌های جدید، بهبود صنعت نفت، انتقال فن‌آوری، آموزش مدیریت و فرصت‌های موجود در بازار بین‌المللی بهره‌مند شود (Charap & et, 2019:7).

اهمیت هیدروکربن‌های سوریه به‌تنهایی توجیه دخالت روسیه در سوریه نیست. یکی دیگر از دلایل مهم درگیری این کشور در سوریه موقعیت ژئواستراتژیک سوریه نیز می‌باشد. سوریه مکان مهمی برای خروج لوله‌های انرژی به مقصد اروپا است. همچنین، منطقه‌ی خاورمیانه حاوی بیشترین منابع نفت و گاز در جهان است. همه‌ی کشورهای که مایل به بهره‌برداری و صادرات این منابع از طریق خطوط لوله و مسیر زمینی هستند، می‌دانند که باید این خطوط از خاک سوریه عبور کنند تا آن‌ها را به جذاب‌ترین بازار یعنی اروپا برسانند. بنابراین، کنترل صنعت انرژی سوریه توسط روسیه، به مسکو نه تنها قدرت کنترل بر قیمت و تحویل انرژی سوریه را

¹. Soyuz Nefte Gaz

². SIPRI

می‌شود. بنا به گفته‌ی رامی مخلوف^۲ هنگامی که اسد پرداخت را به تعویق انداخت، روسیه پیشروی در ادلب را متوقف کرد، به این معنی که اسد باید اول پول آن را برای ادامه‌ی جنگ پرداخت کند (Grinstead, 2019).

سیستم یکپارچه‌ی پدافند هوایی قابل‌توجهی را مونتاژ کرده و تجهیزات و سیستم‌های تسلیحاتی مانند موشک‌های زمین به هوای اس-۳۰۰^۱ به سوریه فروخته است (Schaffner, 2021)، اما با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی سوریه، پرداختی‌ها به شکل وام و دادن امتیازات نفتی برای روسیه انجام

2011	2012	2013	2014	2015	2016	2017	2018	2019	2020	Total
\$410	\$496	\$496	\$2	\$16	\$3	\$25	\$181	No data	\$72	\$1699

شکل ۱ ارزش پولی فروش تسلیحات روسیه به سوریه، ۲۰۱۱-۲۰۱۹ (به میلیون دلار)

Source: SIPRI Arms Transfers Database

دیگر کشورها را در برابر جامعه‌ی جهانی نشان داده و از آن‌ها دفاع کرده است. سیاست خارجی روسیه نمایشی از قدرت بیرونی روسیه است که خواستار نقش بیشتر در امور جهانی می‌باشد (Bartenev, 2018: 758). حضور نظامیان روسی و مداخله‌ی این کشور در سوریه به لطف پایگاه دریایی آن در طرطوس به دهه‌ی ۱۹۷۰ برمی‌گردد، اکنون این حضور به میزان قابل‌توجهی افزایش یافته است. در واقع، می‌توان یکی از اهداف دیگر روسیه در سوریه را به دست آوردن مناطق جدید نظامی دانست. رژیم سوریه به ارتش روسیه و نیروهای نظامی این کشور مناطق نظامی ویژه اعطا کرده است تا در قبال آن به رژیم سوریه کمک کند تا کنترل مناطق از دست‌رفته‌ی خود را دوباره به دست آورد (Souleimanov and Dzutsatti 2018: 42). ادامه‌ی درگیری‌ها، روسیه را ملزم به ایجاد پایگاه هوایی در خاک سوریه برای اطمینان از حفاظت حریم هوایی سوریه و اجرای عملیات نظامی در مدیترانه کرد.

روسیه رسماً در آگوست ۲۰۱۵ توافق‌نامه‌ای را با رژیم سوریه امضا کرد که به آن اجازه داد پایگاه

به همین منظور، روسیه در بازسازی مؤسسات دولت سوریه و ارتش منظم و حرفه‌ای برای آن کشور، سرمایه‌گذاری کرده است. دیپلماسی این کشور برای از بین بردن شکاف بین رژیم اسد و مخالفان میانه‌رو وی نیز نسبتاً موفق‌آمیز بوده است، به شرطی که مخالفان بپذیرند که اسد در قدرت باقی بماند (Hinnebush, 2020: 114). این امر برای بخش بزرگی از مخالفان و همچنین قدرت‌های غربی غیرقابل‌قبول بود. تعهد دیپلماسی روسیه در جریان مداخله در سوریه به جامعه‌ی جهانی نشان داد که هر تصمیمی درباره‌ی سوریه باید از طریق مسکو انجام شود. حضور نیروهای مسلح روسیه در سوریه همچنین فرصت دیگری بود برای نمایش و افزایش توانایی‌های نظامی روسیه. باید اضافه شود که این حضور نظامی روسیه بود که عملاً ایجاد «منطقه‌ی پرواز ممنوع»^۳ را به‌وسیله‌ی آمریکا و متحدینش در سوریه غیرممکن کرد و سبب شد روسیه منطقه‌ی ویژه‌ی انحصاری خود را برای استقرار و استفاده از سیستم موشکی اس-۳۰۰ و رزمناو موشکی خود تحت نام موسکوا^۴ برپا کند (Machnikowski, 2015: 28). روسیه اصول یکپارچگی سرزمینی و عدم مداخله در امور داخلی

³.no-fly zone

⁴ Moskva

¹.S300

². Rami Makhlouf

می‌دهد. بیش از ۶۳۰۰۰ نفر از پرسنل ارتش روسیه، از جمله بیش از ۲۵۰۰۰ افسر ارشد، ۴۳۴ ژنرال و بیش از ۴۳۰۰ متخصص توپ و موشک در سوریه حضور دارند (Duclos, 2019:6). سلاح‌های جدید تولیدشده توسط روس‌ها در سوریه مورد استفاده یا آزمایش قرار گرفتند که ممکن است نشان دهد که خاک سوریه به همان اندازه که میدان جنگ بود، میدان آزمایش سلاح‌های روسی نیز بود. اتحاد و حضور روسیه در سوریه به مسکو امکان دسترسی به آب‌های گرم دریای مدیترانه و همچنین روابط ژئواستراتژیک با کشورهای همسایه‌ی سوریه را داده است. همچنین، سواحل غربی سوریه در دریای مدیترانه که یک ساحل جذاب و منحصربه‌فرد جهانی می‌باشد برای تفریح در اختیار پرسنل نظامی و توریسم‌های روسی قرار می‌گیرد (Nada, 2020:15).

روسیه همچنین نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک در سوریه دارد. صرف‌نظر از این، سوریه برای مجتمع نظامی-صنعتی روسیه فرصتی برای بازاریابی برای تسلیحات روسیه فراهم کرده است و روسیه معاملات تسلیحاتی بزرگی را در منطقه‌ای منعقد کرده است که مدت‌هاست تحت سلطه‌ی ایالات متحده بوده است. دارایی‌های سوریه پتانسیل این را دارد که منبع درآمدی برای شرکت‌های روسی باشد. در دسامبر ۲۰۱۹، پارلمان سوریه قانونی را برای اعطای قراردادهای گاز طبیعی به دو شرکت روسی، ولادا^۲ و مرکوری^۳ تصویب کرد. به گفته‌ی وزیر نفت سوریه، این شرکت‌ها به سه مکان با مجموع حداقل ۷۵۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی دسترسی پیدا می‌کنند. شرکت‌های روسی همچنین قراردادهای انحصاری در بخش‌های بالقوه سودآور بازسازی سوریه، مانند زیرساخت‌ها، تولید برق، بازسازی صنعتی و استخراج منابع دریافت کرده‌اند. با این حال، سود بالقوه‌ی دقیق از این

هوایی خود را در حمیمیم^۱ در لاذقیه ایجاد کند و اجاره‌ی پایگاه دریایی روسیه در دوران شوروی در طرطوس تا سال ۲۰۶۶ به صورت رایگان تمدید شد. استفاده از پایگاه دریایی در طرطوس در سواحل مدیترانه اولین بار در سال ۱۹۷۱ به اتحاد جماهیر شوروی داده شد، این پایگاه به شوروی این امکان را می‌داد تا کشتی‌های این کشور نیاز کمتری به عبور از تنگه‌های مورد مناقشه‌ی بسفر و داردانل ترکیه که در آن زمان مورد اختلاف اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه و تحت حاکمیت ترکیه بودند، داشته باشد و از برخوردهای احتمالی بین دو کشور جلوگیری نماید. در چند سال گذشته، با طولانی شدن درگیری‌ها در سوریه، این پایگاه از جایگاه استراتژیک نظامی برخوردار شده است و ظرفیت عملیاتی آن همچنان تقویت می‌شود. این پایگاه محل استقرار بیش از ۱۷۰۰ متخصص نظامی روسیه و اعزام انواع کشتی‌های جنگی و ترابری شده است (Nada, 2020:15)؛ بنابراین، پایگاه دریایی طرطوس در حال تبدیل شدن به یک پایگاه دریایی-نظامی دائمی است که به‌عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه طلبانه‌ی روسیه در سوریه به حساب می‌آید. قراردادهای پایگاه‌های هوایی پالمیرا نیز ارتقا یافته‌اند (Andersson & Waage, 2021:12). بر طبق این توافق‌نامه، همچنین روسیه مجاز به استقرار هواپیماها و سربازان روسی در خاک سوریه و ساخت پایگاه‌های نظامی جدید در این کشور برای آغاز عملیات نظامی به درخواست دولت سوریه است (Hetou, 2019:56). در اکتبر ۲۰۱۶ نیز توافق‌نامه‌ی کنترل دائمی پایگاه هوایی استراتژیک و استقرار نامحدود نیروهای هوایی بین دو کشور تصویب شد که بر طبق آن سوریه فضای موجود برای کشتی‌های جنگی روسیه را دو برابر می‌کند و حق کنترل پایگاه هوایی توسط روسیه را نیز تضمین می‌کند. لازم‌الاجرا شدن آن در ژانویه‌ی ۲۰۱۷، حاکمیت روسیه بر مناطق جدیدی در سوریه را تضمین کرد که به نیروهای روسیه امکان کنترل کامل این مناطق را

³. Mercury

¹ Hmeimim

². Velada

شرکت‌ها همچنان نامشخص است (Schaffner, 2021).

۵ روسیه اتحاد با متحدین و مشارکت با سایر بازیگران در خاورمیانه

روسیه از زمان درگیری در سوریه توانسته به برخی از قدرت‌های خاورمیانه نزدیک شود و روابط نزدیکی با برخی از آن‌ها ایجاد کرده است.

۵/۱ ایران

از سال ۲۰۱۲، ایران حدود ۱۶ میلیارد دلار در سوریه هزینه کرده است و در مقابل، هزینه‌ی مداخله‌ی روسیه از سال ۲۰۱۵ بین ۱٫۲ تا ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است (Schaffner, 2021). برای ایران و روسیه، سوریه به‌عنوان سکوی پرتابی برای گسترش نفوذ آن‌ها در خاورمیانه و شرق مدیترانه عمل می‌کند. با این حال، دیدگاه‌های روسیه و ایران در مورد سوریه پس از جنگ به‌آسانی در یک مجموعه جمع نمی‌شوند. ایران از یک سو به دنبال گسترش شبکه‌های نفوذ غیررسمی و مخفی خود در زمین و در میان نخبگان سوری بوده است. از سوی دیگر، روسیه به دنبال نهادینه کردن و مشروعیت بخشیدن به پیروزی اسد در میدان جنگ در جامعه‌ی بین‌المللی است. همچنین، روسیه علاقه‌ای به برند «مقاومت» ایران ندارد. دخالت مسکو در سوریه بخشی از پروژه‌های است برای بازگرداندن روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ بانفوذ در امور بین‌المللی در مخالفت با آنچه که به‌عنوان تغییر رژیم توسط ایالات متحده سازماندهی شده می‌بیند. روسیه اعتراضات مردمی را از منظر ژئوپلیتیکی می‌بیند و از نفوذ دیپلماتیک خود برای محافظت از سوریه در برابر نظارت بین‌المللی در شورای امنیت سازمان ملل در راستای منافع اقتصادی و ژئواکونومیک خود استفاده کرده است (Andersson & Waage, 2021: 15). برای ایران، بقای رژیم اسد برای امنیت ملی این کشور اساسی تلقی

می‌شد؛ زیرا ایران به رژیم اسد برای ارتباطات زمینی و تسهیل ارتباطات با حزب‌الله نیاز داشت (Pollock, 2020) و نیز برای ایران مهم بود که اطمینان حاصل شود که سوریه به دست یک حاکم سنی و مورد حمایت عربستان در «محور سنی ضد ایران» نیفتد. برای روسیه چندان مهم نیست که حتماً اسد در قدرت بماند؛ بلکه مهم این بود که منافع روسیه تأمین شود؛ چه توسط رژیم اسد یا توسط ژریمی دیگر، اما از سوی دیگر، تصمیم‌گیرندگان ایرانی با تعداد محدود گزینه‌های ژئواستراتژیک و سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. از این گذشته، در صورت سرنگونی اسد، برخلاف عراق، ایران هیچ گزینه‌ی مناسبی فراتر از اسد نداشت (DePetris, 2018).

بنابراین، روسیه و ایران دارای منافع متضادی در سوریه هم هستند و در حال حاضر ادامه‌ی حکومت اسد از محدود نقاط همگرایی آن‌ها است. اسد نه می‌تواند ایران را از دست بدهد و نه روسیه را؛ زیرا آن‌ها مکمل یکدیگر هستند و او با هر دو کارت ایران و روسیه بازی کرده است. مورد ایران برای روسیه یک مشارکت جالب و نامشخص است. با این وجود، تصور برخی اختلافات بین ایران و روسیه در مسائل نظامی، انرژی و سود پس از جنگ در مرزهای سوریه چندان دور از ذهن نیست. روسیه و ایران هر دو به دنبال قدرت و نفوذ ژئو-اکونومیک خود در منطقه هستند. دولت سوریه با نقشه‌ی برنامه‌ریزی‌شده‌ی قبلی که قرار بود خطوط لوله‌ی گاز و نفت قطر را در سال ۲۰۰۹ از خاک آن کشور به مقصد اروپا عبور دهد مخالفت کرد و در عوض در ژوئیه ۲۰۱۱ با خطوط ایران و عراق موافقت و توافق‌نامه‌ی خط لوله‌ی برجسته‌ای را امضا نمود (Reuters, 2019). یک خط لوله‌ی گاز ۱۰ میلیارد دلاری که از ایران، عراق و سوریه عبور می‌کند. این خط لوله که به آن خط لوله‌ی اسلامی گفته می‌شود از بندر عسلویه ایران در نزدیکی میدان گازی پارس جنوبی در خلیج فارس شروع می‌شود و با عبور از خاک عراق و استان‌های دیرالزور (شرق به غرب)، حمص و طرطوس سوریه

می‌شود. از طرف دیگر، مسکو در تلاش است تا در این مشارکت محتاط باشد؛ زیرا که نزدیکی بیش از حد به ایران می‌تواند بر روابط روسیه با سایر کشورهای رقیب ایران، که روسیه در تلاش برای حفظ یا بهبود روابط خود با آن‌ها است، تأثیر منفی بگذارد (Sommer & Kavalek:2020:33). به عبارت دیگر، اتحاد کامل نظامی با ایران می‌تواند عواقبی برای دیپلماسی روسیه در قبال اسرائیل یا کشورهای شورای همکاری خلیج فارس داشته باشد. بنابراین، تا اکنون روسیه تلاش کرده است که مشارکت نظامی - استراتژیک بین دو کشور به تبادل اطلاعات و هماهنگی‌های گاه‌وبیگاه در خاک سوریه محدود بماند.

در سال ۲۰۱۸، مسکو سپاه ۵ و ۶ را که متشکل از گروه‌های مختلف مسلح حامی دولت، شورشیان مورد عفو قرار گرفته و نظامی‌های فراری بود، تأسیس کرد و آن‌ها را در زیرمجموعه‌های نظامی قوی تحت کنترل شدید دولت مرکزی و روسیه ادغام کرد. هدف از این اقدام، از یک سو کاهش نفوذ ایران بر شبه‌نظامیان و ارتش سوریه بود و از طرف دیگر، قصد داشت ارتش سوریه را به‌عنوان یک نهاد مهم دولتی تقویت کند (Khlebnikov,2020:33).

به نظر می‌رسد اکنون که درگیری‌ها در سوریه فروکش کرده و بحث برای بازسازی بین متحدان رژیم اسد در حال گسترش است، تهران به‌عنوان یکی از متحدان اصلی اسد و کمک‌کننده به حفظ آن از ابتدای درگیری، اکنون انواع فرصت‌ها را در سوریه دارد. ولی بازیگری موفقیت‌آمیز مسکو توانسته سهم بزرگی از فرصت‌های ایران برای پروژه‌های سودآور را از تهران بگیرد یا آن را مجبور به اشتراک سود با روسیه کند.

ایران و روسیه هنوز نقاط مشترکی دارند و هر دو کشور آمادگی حمایت بیشتر از رژیم اسد هستند، با این حال، اگر لفاظی رسمی کنار گذاشته شود، روابط مسکو و تهران در مسیر سوریه را می‌توان به‌عنوان تقسیم حوزه‌های نفوذ و صلاحیت‌ها توصیف کرد. مناطق مورد مناقشه‌ای مانند استان

به سواحل مدیترانه می‌رسد. این خط لوله سوریه را به مرکز ترانزیت و تولید گاز تبدیل خواهد کرد. توافق‌نامه‌ی اولیه بین دولت‌های سوریه، ایران و عراق برای ساخت این خط لوله در جولای ۲۰۱۱ امضا شد (Maher & Pieper,2021:947). با این وجود، بر اثر درگیری‌های داخلی سوریه، کشورهای مشارکت‌کننده مجبور شدند که آن را به تعویق بیندازند. چنین پروژه‌ای می‌تواند به صادرات گاز ایران و رقابت در بازار انرژی با گاز روسیه و قطر کمک شایانی کند (Sogoliff,2017). تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران این پروژه را کاملاً متوقف کرده است؛ بنابراین در اینجا است که می‌توان فرصت‌هایی را که روسیه به دنبال بهره‌برداری از آن است، درک کرد. درحقیقت، اگرچه ایران همچنان بهترین شریک روسیه در خاورمیانه است، ولی پوتین مشتاق ایجاد توافق‌نامه‌هایی برای انتقال گاز ایران از طریق شرکت‌های انرژی روسی است (Enis,2018:99). در صورت لغو احتمالی تحریم‌های آمریکا در دولت بایدن، ایران دوباره شروع به بررسی پروژه‌ی خود به سمت بازار اروپا خواهد کرد؛ بنابراین، ایران یک رقیب بزرگ در زمینه‌ی انرژی برای روسیه باقی می‌ماند، ایجاد یک مشارکت با ایران برای روسیه سودآورتر از بودن ایران به‌عنوان یک رقیب است؛ در نتیجه این امر باعث نزدیک شدن روس‌ها به اهدافشان برای اطمینان از وابستگی اروپا به انرژی روسیه نیز می‌شود.

با این حال از نظر نظامی، مشارکت روسیه و ایران، گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران، به‌ویژه شبه‌نظامیان وابسته به سپاه قدس و حزب‌الله را ملزم نمی‌کند به اینکه دستورات روسیه را در بلندمدت، علی‌رغم پشتیبانی هوایی که از عملیات‌های آنان توسط روسیه صورت گرفته است، اجرا کنند. از یک طرف، رد کمک مسلحانه و استراتژیک ایران برای مسکو سودآور نیست؛ زیرا این امر روسیه را مجبور می‌کند تا حضور زمینی خود را در مرزهای سوریه به میزان قابل‌توجهی افزایش دهد که باعث ایجاد هزینه‌های سنگینی برای روسیه

۵٫۲ ترکیه

روسیه علی‌رغم مخالفت رژیم سوریه و روابطش با ایران توانست با ترکیه روابط حسنه برقرار سازد. ترکیه به‌عنوان کشور دارنده‌ی تنگه‌های بسفر و داردانل کشوری مهم در حوزه‌ی مدیترانه است که توانسته به‌خوبی از موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود در بین دو قاره‌ی آسیا و اروپا نهایت بهره را ببرد. ترکیه از نظر انرژی به روسیه وابسته است و بیش از ۵۵٪ گاز طبیعی و ۳۵٪ زغال سنگ خود را از این کشور وارد می‌کند (Prontera and Ruszel, 2017:145). مسیره‌های عبور خطوط انرژی از ترکیه نه‌تنها جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های ژئواستراتژیک روسیه دارند؛ بلکه برای برخی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه هم که می‌خواهند از فضای ترانزیتی ترکیه استفاده کنند نیز از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد (Mocilnikar, 2018:16). درگیری‌های سوریه، پروژه‌های بالقوه‌ی مسیره‌های جدید انرژی به اروپا را با چالش روبه‌رو کرده است. ترکیه به چندین پروژه‌ی خط لوله‌ی پیشنهادشده توسط کشورهای مختلف عربی و اسرائیل علاقه‌مند است؛ زیرا قصد دارد برنامه‌ی تنوع بخشیدن به انرژی خود را دنبال کند. اگر ترکیه تصمیم به پیشبرد این پروژه‌ها بگیرد، خطوط لوله باید از طریق منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سوریه عبور کنند؛ جایی که روسیه کنترل آن را در اختیار دارد. در غیر این صورت، مجبور خواهد شد از منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی قبرس استفاده کند. مسکو برخلاف آنکارا، با قبرس هم روابط خوبی دارد. همچنین، توافق‌نامه‌ای بین روسیه و قبرس منعقد شده است که به موجب آن روس‌ها حق استفاده از بندر و امکانات فرودگاه قبرس را هنگام مداخله در سوریه دارند (Nada, 2020:17).

متحدان و همسایگان سوریه نیز تحت هیچ شرایطی حاضر به مشارکت در اجرای پروژه‌های خط لوله‌ای نیستند که در آن روسیه و ترکیه دست بالا را داشته باشند؛ زیرا می‌تواند به‌طور مستقیم به بازار و قدرت آن‌ها در منطقه آسیب برساند. با این حال،

درعا و استان قنیطره در جنوب غربی سوریه وجود دارد که رقابت بین روسیه و ایران در آن‌ها ادامه دارد. در آنجا، ارتش روسیه تلاش می‌کند از حضور بیش از حد گروه‌های طرفدار ایران در امتداد مرزهای با اسرائیل جلوگیری کند؛ زیرا روسیه به اسرائیل تعهد داده که به امنیت ملی اسرائیل احترام می‌گذارد و همین مسأله یکی از عوامل بدبینی تهران و مسکو به یکدیگر بوده است (Serhat, 2021:7). به نظر می‌رسد مسکو از مجاورت و قدرت اعطا شده به تهران در مدیریت بندر لاذقیه ناراضی است. مسکو و تهران در تلاش‌اند منابع اصلی سود سوریه را به انحصار خود درآورند و این موضوع می‌تواند دلخوری دیگری را بین آن‌ها ایجاد کند (Lahub, 2019). ازسوی دیگر، نباید منافع متضاد دو طرف در بازار انرژی و تأثیر آن بر تعامل آن‌ها در سوریه را نادیده گرفت؛ به‌طوری‌که، در ماه ژوئن ۲۰۱۸ روسیه اتحادی را با عربستان در زمینه‌ی افزایش تولید نفت ترتیب داد که در تضاد کامل با منافع ایران قرار داشت.

با این حال، فقدان علاقه‌ی جدی روسیه به رویارویی مستقیم با ایران، از نظر تئوری به ایران اجازه می‌دهد تا دست‌آوردهای خود در سوریه را در حال حاضر حفظ کند. با این حال، تحریم‌های آمریکا و خروج این کشور از توافق هسته‌ای ایران، بار عظیمی را بر ظرفیت تهران برای گسترش و حتی حفظ دارایی‌های فعلی‌اش در سوریه وارد کرده است. مهم‌تر از آن، تحریم‌ها توانایی ایران برای رقابت با سرمایه‌گذاری‌های روسیه در سوریه به‌ویژه در بخش‌های انرژی، کشاورزی، گردشگری و زیرساخت‌ها را به‌طور قابل‌توجهی مختل کرده است. با این حال، نادیده گرفتن نفوذ ایران در اقتصاد سوریه بسیار بی‌احتیاطی خواهد بود. تهران شریک تجاری بسیار مهمی با دمشق است و کالاهای حیاتی را در مقادیر زیاد و با قیمت پایین در اختیار دمشق قرار داده است.

در تلاش است کریدور اصلی انتقال انرژی شود و سوریه پل ورود ترکیه به خاورمیانه‌ی سرشار از انرژی است، کنترل ترکیه بر سوریه برای روسیه خوشایند نبود و اگر شاهد همکاری تاکتیکی روسیه با ترکیه هستیم، عمدتاً بدین سبب است که روسیه می‌خواهد ضمن کاهش نفوذ ترکیه در سوریه، مانع از همکاری انحصاری ترکیه با اروپا در حوزه‌ی انرژی نیز گردد (حاجی یوسفی و انباجی، ۱۴۰۰: ۱۳۷).

۵٫۳ پادشاهی‌های خلیج فارس

امروزه، برنامه‌های انرژی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بیشترین تهدید را برای روسیه دارد. فقط ده کشور خاورمیانه نزدیک به نیمی از ذخایر نفتی جهان و بیش از ۴۰٪ از ذخایر گاز آن را در اختیار دارند. عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، کویت، بحرین و عمان از جمله‌ی این کشورها هستند. بیشتر آن‌ها عضو سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت (اوپک) هستند.

همچنین، پروژه‌ی ساخت خط لوله‌ای که از مسیر عربستان، اردن، سوریه می‌گذشت و گاز قطر را به ترکیه و سپس اروپا منتقل می‌کرد، یکی از نظریه‌های رایج در مورد اتخاذ سیاست‌های تهاجمی قطر و عربستان سعودی علیه اسد در واقع ناشی از رد این پروژه توسط دولت سوریه برای عبور از خاک آن کشور بود. بنابراین، می‌توان تلاش شیخ‌نشین‌های نفتی را برای خلاص شدن از شر رژیم اسد درک کرد تا بتوانند پروژه‌ی خط لوله‌ی خود را آغاز کنند.

با این حال، چنین پروژه‌های تهدید بزرگی برای روسیه است که اروپا بزرگ‌ترین واردکننده‌ی گاز آن است. پوتین نیاز به کنترل برخی از مناطق را در سوریه داشت تا بتواند نه تنها از برنامه‌های قطر، بلکه از فروش نفت از عربستان به مقصد اروپا نیز جلوگیری کند (Enis, 2018: 101). پوتین از یک سو تلاش کرد از طریق توافق با ایران و استفاده از کارت ایران، برنامه‌ی خود را برای کاهش و حتی از بین بردن

یک بحث بین تل آویو- نیکوزیا و آتن در مورد یک پروژه‌ی خط لوله انجام شده است که نه تنها می‌تواند از وابستگی انرژی اروپا به روسیه بکاهد؛ بلکه می‌تواند تهدیدی علیه منافع روسیه نیز باشد؛ زیرا روسیه همیشه از جریان انرژی به‌عنوان اهرم فشاری علیه اروپا استفاده کرده است (Prontera & Ruszel, 2017: 147). بنابراین، مسکو و آنکارا منافع مشترک جدیدی در جلوگیری از هر پروژه‌ای دارند که آن‌ها را مستثنی کند. با وجود سردی روابط بین مسکو و آنکارا در بخش عمده‌ای از درگیری‌های سوریه، روابط آن‌ها به سرعت از سر گرفته شده است. از سرگیری پروژه‌ی خط لوله‌ی گاز «جریان ترکیه^۱» با مشارکت غول گاز روسیه گازپروم، برای اتصال روسیه به ترکیه دلیل محکمی بر این مدعا می‌باشد تا آنجا که این مسأله فاصله‌ای بین ترکیه و غرب ایجاد کرد؛ ولی روسیه از آن استقبال نمود (Dogac & Guler, 2021: 86).

از آنجاکه سیاست‌های اردوغان بیشتر در راستای سوءظن نسبت به غرب است باعث شده غربی‌ها از عادت‌های اقتدارگرایانه‌ی او انزجار پیدا کنند، ولی روسیه توانسته با استفاده از این فرصت خود را به تنها عضو شرقی ناتو یعنی ترکیه نزدیک کند و از این طریق با نفوذ غرب در خاورمیانه مقابله کند و از حضور خود در سوریه برای ایجاد جایگاه قوی‌تر در خاورمیانه استفاده کند. علاوه بر این، توافق اخیر بین روسیه و ترکیه ساخت یک نیروگاه هسته‌ای در آکویو^۲ برای ترکیه توسط روس‌ها را مد نظر دارد (Enis, 2018: 99) که قرار است تا سال ۲۰۲۳ عملیاتی شود و هزینه‌ی آن نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این توافق‌نامه می‌تواند آغاز عصر جدیدی در روابط روسیه و ترکیه باشد. قبلاً هم توافقاتی برای خرید چهار سامانه‌ی ضد هوایی اس-۴۰۰ بین ترکیه و روسیه منعقد شده بود. این توافق نزدیک به ۲٫۵ میلیارد دلار است و به دلیل اتحاد ترکیه با ناتو این توافق همچنان بحث‌برانگیز است (Oxford, 2020: 2). بنابراین، با توجه به اینکه ترکیه

^۲. Akkuyu

^۱. Turkish Stream

انجام می‌دهد. به این ترتیب، فعالیت آن در زمینه‌ی انرژی، ژئوپلیتیک و مسائل امنیتی در خاورمیانه باعث شده جایگاه خود را در امور این منطقه با وجود چندین کشور رقیب تثبیت سازد (Igor, 2018:61). البته کاهش دخالت آمریکا در منطقه، موفقیت‌های روسیه در سوریه، ناسازگاری و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن دولت بایدن و نگرانی کشورهای عربی از نزدیکی ایالات متحده به ایران در یک توافق احتمالی در مذاکرات اجتماعی ایران با گروه ۱+۴، انگیزه‌ی شیخ‌نشین‌ها را به سمت روسیه سوق داده است (Alalkim, 2021:36). بنابراین، بحران سوریه، روسیه را به‌عنوان بازیگر اصلی امنیت در منطقه‌ی خاورمیانه معرفی کرد.

۵٫۴ اسرائیل

روسیه پیشرفته‌ترین سامانه‌ی دفاع هوایی اس-۴۰۰ خود را در سوریه مستقر کرده است، اما به نظر نمی‌رسد که این سلاح پیشرفته علیه جت‌های اسرائیلی کار کند. این یک تناقض آشکار است که مسکو، متحد بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به اسرائیل اجازه می‌دهد تا علیه ارتش سوریه و شبه‌نظامیان ایرانی فعال در این کشور حملات هوایی انجام دهد. برتری روسیه بر حریم هوایی سوریه به تغییر درگیری به نفع اسد کمک کرد، پس چرا به اسرائیل اجازه می‌دهد تا عملیات خود را بدون مانع انجام دهد؟ در ۲۸ دسامبر، هواپیماهای جنگی اسرائیل به مجتمع کانتینری در بندر لاذقیه، در بخشی از سوریه که روسیه پایگاه اصلی دریایی خود را در آن نگاه‌داری می‌کند، حمله کردند (Mikovic, 2022). این حملات به محوطه‌ای اصابت کرد که تصور می‌شد محموله‌های تسلیحات ایرانی را در خود جای داده است. این چندمین تلاش اسرائیل برای نابودی محموله بود. اما ظاهراً موفقیت‌آمیزتر از حمله‌ی هوایی قبلی بود که خسارت قابل‌توجهی به بار آورد. موقع وقوع حادثه نه سامانه‌ی اس-۴۰۰ روسیه و نه سامانه‌ی پدافند هوایی سوریه تلاشی برای ضربه زدن به هواپیماهای اسرائیلی نکردند. حقیقت این است که روسیه هرگز سیستم‌های دفاع

تهدیدهای ناشی از شیخ‌نشین‌های نفتی تدوین کند که این امر می‌تواند به‌طور هم‌زمان از نفوذ آمریکا متحد اصلی شیخ‌نشین‌ها در منطقه بکاهد. ازسوی دیگر، روسیه در اواخر سال ۲۰۱۶ توافق‌نامه‌ای با اوپک و عربستان سعودی امضا کرد تا تولید نفت را محدود کند که این امر باعث افزایش قیمت هر بشکه نفت شد (Mocilnikar, 2018).

درحالی‌که روسیه و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در بازار جهانی نفت و گاز رقیب هم هستند؛ با این وجود، روسیه علی‌رغم اتحاد با ایران و اختلافات با این کشورها در مورد درگیری‌های سوریه توانسته است روابط خوبی با این کشورهای نفتی ایجاد کند. روسیه اخیراً بیش از پانزده توافق با عربستان سعودی از جمله ساخت نیروگاه هسته‌ای در عربستان و بسته‌ی فروش سلاح به این کشور را مورد بحث قرار داده است (Kabalan, 2018). همچنین، قطر با خرید سهام شرکت نفتی روس نفت به ارزش ۱۱٫۳ میلیارد دلار در اقتصاد روسیه سرمایه‌گذاری کرده است.

با این وجود، روابط روسیه با قدرت‌های رقیب (ایران از یک سو و سعودی و اسرائیل ازسوی دیگر) خطری برای مسکو محسوب می‌شود. اگر روابط آن با ایران به‌طور محتاطانه حفظ نشود، برای روسیه خطر تخریب روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در پی دارد. هدف روسیه از اتخاذ سیاست‌های دوپهلوی این است؛ از یک سو این کشور تلاش کرد از طریق توافق با ایران و استفاده از کارت ایران، برنامه‌ی خود را برای کاهش و حتی از بین بردن تهدیدهای ناشی ازسوی شیخ‌نشین‌های نفتی تدوین کند که این امر می‌تواند به‌طور هم‌زمان از نفوذ آمریکا متحد اصلی شیخ‌نشین‌ها در منطقه بکاهد و ازسوی دیگر، تأثیرگذاری بر پتانسیل سرمایه‌گذاری کشورهای عربی در اقتصاد روسیه، جلوگیری از تحریک جنبش‌های اسلام‌گرای سنی در روسیه و مهار آن‌ها از طریق نزدیک شدن به کشورهای عربی و سرانجام تلاش‌های دیپلماتیکی است که برای حل منازعات در سوریه در راستای نیل به این هدف

بنابراین، روسیه برای به خطر انداختن روابط خود با اسرائیل، احتمالاً از همکاری نظامی عمیق‌تر با ایران خودداری خواهد کرد. ظاهراً روسیه با اسرائیل هم‌عقیده است که ایران یک نیروی بی‌ثبات‌کننده در خاورمیانه است؛ بنابراین موضع مسکو در قبال ایران به اسرائیل نزدیک‌تر است تا آنچه در انظار عمومی نشان داده می‌شود.

موضع انفعالی روسیه در قبال حملات هوایی اسرائیل در سوریه به وضوح نشان می‌دهد که کرملین مایل نیست به خاطر اتحاد خود با سوریه و شراکت استراتژیک بالقوه با ایران به روابط خود با اسرائیل آسیب برساند.

اسرائیل همچنین دارای جامعه‌ی بزرگ روسی‌زبان از یهودیان اتحاد جماهیر شوروی سابق است که می‌تواند گفتگوهای فرهنگی را تسهیل کند (Vera, 2021). روابط بین اسرائیل و روسیه از لحاظ تاریخی حول محور جنگ جهانی دوم، بنیان اسرائیل و مهاجرت یهودیان روسیه برای زندگی در آنجا در هم تنیده شده است. بالغ بر ۱٫۵ میلیون اسرائیلی روسی‌زبان در کشور اسرائیل زندگی می‌کنند و برخی از الیگارش‌های روسی مانند میخائیل فریدمن و آلمانی خان تابعیت اسرائیل را گرفته‌اند. با توجه به اینکه الیگارش‌ها نقش بسیار مهمی در سیاست روسیه دارند و هدف مسکو حفظ روابط خوب با همه‌ی بازیگران در خاورمیانه است، انتظار می‌رود کرملین همچنان مانع از پاسخ دمشق به حملات هوایی اسرائیل شود (Mikovic, 2022). سوریه ضعیف‌ترین حلقه در روابط روسیه و اسرائیل است و تهران به نوبه‌ی خود در موقعیتی نیست که مسکو را تحت فشار بگذارد تا نیروهای نیابتی ایران بتوانند از خاک سوریه به‌عنوان پایگاهی علیه اسرائیل استفاده کنند. روسیه به تعادل بین به اصطلاح محور مقاومت (سوریه، ایران و شبه‌نظامیان نیابتی تهران) و دشمن سرسخت آن‌ها اسرائیل ادامه خواهد داد. اما روابط تاریخی و کنونی به این معنی است که توازن به نفع اسرائیل بیشتر خواهد شد.

هوایی خود را علیه جت‌های اسرائیلی فعال نمی‌کند. اعتقاد بر این است که چنین انفعالی بخشی از یک معامله‌ی گسترده‌تر بین دو کشور است. پس از اینکه کرملین در سال ۲۰۱۵ ماجراجویی نظامی خود را در سوریه آغاز کرد (Serhat, 2021:7) با دولت یهودی به توافق رسید: بنا بر گزارش‌ها، اسرائیل متعهد شد که امنیت شهروندان روسیه و تأسیسات نظامی در سوریه را در طول حملات خود به شبه‌نظامیان ایرانی و اهداف نظامی سوریه تضمین کند. در مقابل، مسکو متعهد شد که از سلاح‌های خود برای دفع حملات اسرائیل استفاده نکند. به گفته‌ی مقامات کرملین، یک هواپیمای ترابری نظامی روسیه در حال فرود آمدن در پایگاه هوایی حمیمیم - حدود ۲۵ کیلومتری لاذقیه بود که حملات اسرائیل انجام شد؛ بنابراین پدافند هوایی سوریه برای دفع حمله فعال نشد (Mikovic, 2022). اگرچه عملیات نظامی روسیه در سوریه این قدرت را دارد که از حمله‌ی اسرائیل به اهداف ایرانی و سوری جلوگیری کند، روسیه دائماً چشمان خود را بر روی فعالیت اسرائیل در سوریه می‌بندد. حمله به بندر لاذقیه نیز از این قاعده مستثنی نیست.

برای اسد و ایران، کرملین به‌عنوان یک متحد و شریک غیرقابل‌اعتماد عمل می‌کند. در سال ۲۰۱۰، مسکو از فروش سامانه‌های پدافند هوایی اس-۳۰۰ به تهران خودداری کرد؛ زیرا تحت فشار ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفت (Maher & Pieper, 2021:955). در سال ۲۰۱۹، روسیه بار دیگر درخواست ایران برای خرید سامانه‌های اس-۴۰۰ را رد کرد؛ زیرا نگران بود که این فروش تنش‌های بیشتری را در خاورمیانه ایجاد کند، حتی اکنون که تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد بر محموله‌های تسلیحات متعارف به ایران دیگر اجرایی نشده است، هنوز مشخص نیست که آیا مسکو اس-۴۰۰ را به تهران بفروشد یا خیر. ظاهراً کرملین نگران است که اسرائیل با ارائه‌ی پهپادهای پیشرفته به اوکراین، جایی که ترس از جنگ قریب‌الوقوع با روسیه وجود دارد، پاسخ دهد.

۶ نتیجه‌گیری

به معنای قرار دادن ایران و عراق در مدار روسیه، کوتاه کردن دست ترکیه از سوریه و از بین رفتن آمل ترکیه مبنی بر مرکز انرژی شدن بود.

بر طبق نظریه‌ی انتقال قدرت، هیچ سلسله‌مراتب روشنی از قدرت در خاورمیانه وجود ندارد که در آن یک دولت مسلط بتواند رفتارها و اعمال سایر کشورها را تنظیم کند. از این رو، از آنجاکه این منطقه متشکل از رقبای هم‌سطح است مستعد درگیری‌های بیشتر می‌باشد. به همین ترتیب، در سطح جهانی، با کاهش هژمونی ایالات متحده، سایر مراکز قدرت مانند روسیه تلاش می‌کنند وضعیت موجود را به چالش بکشند. این قدرت‌های نوظهور از ساختار قدرت موجود نظام جهانی که در آن ایالات متحده از زمان پایان جنگ سرد از برتری برخوردار بوده است، ناراضی هستند. بنابراین، دولت‌هایی مانند روسیه، برای تصاحب و جایگزینی سلطه‌ی آمریکا در منطقه به دنبال انتقال قدرت در عرصه‌ی سیاسی بین‌المللی هستند. با در نظر گرفتن این هدف، روسیه در ارائه‌ی حمایت اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک از رژیم اسد فعال بوده است.

با تحلیل وضعیت جاری از طریق تئوری انتقال قدرت می‌توان دریافت که تلاش‌های روسیه برای ایجاد توازن با ایالات متحده چندان به برقراری صلح در جهان منجر نشده؛ بلکه درگیری‌های بزرگ‌تری را هم مانند بحران اوکراین و سوریه سبب شده است. بنابراین، تا زمانی که آن‌ها سعی در توازن قدرت یکدیگر داشته باشند، درگیری‌ها در سطح جهانی و منطقه‌ای تا ظهور یک قدرت مسلط آشکار ادامه خواهد یافت.

مداخله‌ی نظامی روسیه در سوریه از سال ۲۰۱۵ نه به‌عنوان بخشی از جستجوی عملی این کشور برای پیش‌بینی انرژی و منافع اقتصادی این کشور و تلاش برای حل نگرانی‌ها در منطقه‌ی خاورمیانه بود. از روزهای پس از فروپاشی شوروی و به‌تبع سقوط جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل، رهبران کرملین بر آن شدند بار دیگر روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ شناسایی شود و جایگاه خودش را بازیابد. بنابراین، پوتین هنگامی که به قدرت رسید تقویت اقتصاد و بازیابی قدرت روسیه را در مزیت نسبی مسکو در حوزه‌ی انرژی بیان کرد. از آن پس مسکو تلاش کرد بر مسیرهای انتقال انرژی و کشورهای اصلی انتقال انرژی کنترل داشته باشد.

بحران اوکراین و اشغال کریمه نشان داد سیاست روسیه در کنترل صادرات انرژی به اروپا موفق بوده است؛ چراکه توانست اروپا را در تحریم و مقابله با روسیه ناتوان کند. در این میان، جایگاه سوریه به‌عنوان مسیر انتقال انرژی از خاورمیانه به اروپا مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، کسب نفوذ و قدرت هر یک از این کشورها در سوریه، به معنای به چالش کشیدن مسکو در حوزه‌ی انرژی بود.

انتقال انرژی از منطقه‌ی غنی از انرژی خاورمیانه به اروپا به معنای پایان رؤیای قدرت شدن در حوزه‌ی انرژی برای روسیه نیز بود. بنابراین، پوتین هوشمندانه از بحران سوریه استفاده کرد تا با سیاست مبارزه با تروریسم بتواند کنترل و نفوذش را در سوریه تحکیم بخشد؛ چراکه نفوذ در سوریه،

منابع

زمردي انباجي، زهرا؛ اميرمحمد حاجي يوسفی (۱۴۰۰)، «ژئوپلیتیک انرژی و مداخله‌ی نظامی روسیه در سوریه»، **فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک**، سال هفدهم، شماره‌ی اول، ۱۴۰۰، ۱۱۶ - ۱۴۴.

بیات ، حمید (۱۴۰۰)، «ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک‌ی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا در بحران سوریه» **فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی انسانی**.

Duclos, M (2019), "Russia and Iran in Syria—a Random Partnership or an Enduring Alliance?" atlanticcouncil.org/wpcontent/uploads/2019/06/Russia_and_Iran_in_Syria_a_Random_Partnership_or_an_Enduring_Alliance.pdf Da her, J. 2018, September. Three Years Later: The Evolution of Russia's Military Intervention in Syria". **Atlantic Council**.

AlAlkim, H. (2021) "U.S. President Joe Biden's Foreign Policy towards the Gulf". **Open Journal of Political Science**, 11, 378-401. doi: 10.4236/ojps.2021.113026.

Andersson, Magnus Seland & Waage, Hilde Henriksen (2021), "The Geopolitics of Syria's

Reconstruction" Peace Research Institute Oslo (PRIO). **PRIO PAPER 2021**.

Enes. (2018). "The Energy Policies of EU, Russia, Turkey and Syria". **International Journal of Commerce and Finance**, 4(1), pp.96-106.

Baev PK (2018) "Russia as Opportunist of Spoiler in the Middle East?" **The International Spectator** 50 (2): 8-21.

Friedman, U. (2018). "Syria's War Has Never Been More International". Retrieved October 14, 2019, from **The Atlantic**: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/02/syria-civil-war-next/553232/>.

Coface (2021). "Risk Assessment. The Syrian Arab Republic", **Economic Studies**. Available:

<https://www.coface.com/Economic-Studies-and-Country-Risks/SyrianArabRepublic>.

Freire MR and Heller R (2018) "Russia's Power Politics in Ukraine and Syria: Status-Seeking between Identity, Opportunity and Costs". **Europe-Asia Studies** 70 (8): 1185-1212.

Cordesman, A. H. (2017). "If the Fighting Ever Stops: Stabilization, Recovery, and Development in Syria". **Center for Strategic and International Studies** (CSIS).

Grinstead, Nick (2019) 'Makhlouf no more? Russia is calling in the debts in Syria'. **OpenDemocracy**, 6 September. Available at: www.opendemocracy.net/en/north-africa-west-asia/makhlouf-

DePetris, D. (2028). "The Dangers of Military Mission Creep in Syria". **The National Interest**, 20th December 2018. Available in: Available at: <https://nationalinterest.org/blog/skeptics/dangers-military-mission-creep-syria-39412>.

- Khlebnikov, A. (2020). "Russia and Syrian Military Reform: Challenges and Opportunities". **Carnegie Middle East Center**.
- Kozhanov, N.A. (2017). "Russian-Iranian Relations through the Prism of the Syrian Crisis". **Insight Turkey**, 19(4), pp. 105-124. doi: 10.25253/99.2017194.07.
- Laub, Z. (2019, October 23). Syria's Civil War: The Descent into Horror. Retrieved October 28, 2019, from Council on Foreign Relations: <https://www.cfr.org/article/syria-as-civil-war>
- Lemke, D. (2002). **Regions of war and peace**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Machnikowski, R. (2015). "Russian Manoeuvres in the Dark". The Polish **Quarterly of International Affairs**, 24(4), 27-II.
- Mikovic, N. (2022), "Why Russia turns a blind eye when Israel bombs Syria", Available at: <https://asiatimes.com/2022/01/why-russia-turns-a-blind-eye-when-israel-bombs-syria/>
- Mocilnikar, A. (2018, Février). L'Europe, la Méditerranée et l'énergie. **Annales Des Mines - Réalités Industrielles**, pp. 16-23.
- Nimmo, K. (2019, March). "Syria ready for War to Regain Oil-Rich Golan Heights?" **Centre for Research on Globalisation**. Global Research.
- Notte, H. (2016). 'Russia in Chechnya and Syria: Pursuit of Strategic Goals'. **Middle East Policy**, 23(1), pp. 59-74. doi: 10.1111/mepo.12174.
- no-morerussia-calling-debts-syria.
- Dogac Ipek, Cemil & Guler, Mehmet Cagatay (2021). "Turkey and Russia in Syrian war: Hostile friendship", **Security & Defence Quarterly**, vol. 35, <http://doi.org/10.35467/sdq/138949>.
- Henderson, S. (2013, December). "Russia-Syria Offshore Gas Deal Injects New Factor into Peace Talks". The **Washington Institute**.
- Hetou, G. (2019). **The Syrian Conflict. The Role of Russia, Iran and the US in a Global Crisis**. London: Routledge India.
- Hinnebush, R. (2020). "The Battle over Syria's Reconstruction". **Global Policy**, Volume 11(1). <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12779>.
- Igor, D. (2018). "Russie - pétromonarchies du Golfe: De la tempête à l'accalmie". **Confluences Méditerranée**, 104(1), pp. 61-71. doi: 10.3917/come.104.0061.
- Irkhin, Aleksandr, Moskalko, Olga (2019). "Russia's Foreign Policy in the Greater Mediterranean: Prospects and Constraints", **Geopolitics Quarterly**, http://journal.iag.ir/article_93709.html.
- Kabalan, M. (2018). "The Gulf Crisis: The U.S. Factor". **Insight Turkey**, 20(2), pp. 33-49. doi: 10.25253/99.2018202.03
- Karasik, T. (2017, March). "Why Qatar is Investing so much in Russia?" **Middle East Institute**.

International Relations:

<https://www.eir.info/2018/02/03/realism-and-power-transition-theory-different-branches-of-the-power-tree/>.

Reuters (2019) "Syria Hands Oil Exploration Contracts to Two Russian Firms". Reuters, 17 December. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-syria-oil-russia/syria-hands-oil-exploration-contracts-to-two-russian-firms-idUSKBN1YLOVK> (accessed 15 June 2020).

Charap, S, Treyger, E, Geist, E. (2019) "Understanding Russia's Intervention in Syria". https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR3180.html.

Schaffner (2021) 'Five Years After Russia Declared Victory in Syria: What Has Been Won?' <https://russiamatters.org/analysis/five-years-after-russia-declared-victory-syria-what-has-been-won>.

Sogoloff, N. (2017, August). Russia's Energy Goals in Syria. **The Washington Institute**.

Souleimanov, E.A. and Dzutsatti, V. (2018). Russia's Syria War: A Strategic Trap? **Middle East Policy**, 25(2), pp. 42-50. doi: 10.1111/mepo.12341.

Sommer, T & Kavalek, F. (2020), "Russian Encroachment in Arab Countries", available at: <https://newdirection.online/2018-publications-pdf/NDreportCZ-Kavalek.pdf>

Tammen, R. L., Kugler, J., & Lemke, D. (2017, October). **Foundations of Power Transition**

Organski, A. (1968). **World Politics** (2nd ed.). New York: Borzoi Books.

Odeyemi, C. (2016). "Re-emerging Powers and the Impasse in the UNSC over R2P Intervention in Syria". **Strategic Analysis**. Vol. 40(2). Pp. 122-149.

Paraschos, P. E. (2013). "Offshore Energy in the Levant Basin: Leaders, Laggards, and Spoilers". **Mediterranean Quarterly**, 24(1), pp. 38-56. doi: 10.1215/10474552-2018997.

Paul, T. (2004). **Introduction: The Enduring Axioms of Power Theory and Their Contemporary Relevance**. In T. Paul, J. J. Wirtz, F. Michel, T. Paul, J. J. Wirtz, & M. Fortmann (Eds.), **Balance of Power** (p. 5). Stanford: Stanford University Press.

Pichon, F. (2018). 'Enjeux et acteurs de la reconstruction en Syrie'. **Les Cahiers del'Orient**, 131(3), pp. 153-162. doi: 10.3917/lcdlo.131.0153.

Pollock, D(2020) "Iran in Syria: Causes, Consequences, And Cures". Arab Scholarship and

Expertise for Peace and stability in the Middle East. 30th July 2020. Available in: <https://mesbar.org/iran-in-syria-causes-consequences-and-cures/>

Prontera, A., Ruszel, M. (2017). "Energy Security in the Eastern Mediterranean". **Middle East Policy**, 24(3), pp. 145-162. doi: 10.1111/mepo.12296.

Rauch, C. (2018). "Realism and Power Transition Theory: Different Branches of the Power Tree". Retrieved October 16, 2019, from E-

/3256-the-tightrope-walk-of-
russian-israeli-relations

Wasser B (2019) "The Limits of Russian Strategy in the Middle East". **RAND Corporation** Perspective, November. Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE300/PE340/RAND_PE340.pdf.

Theory.doi:10.1093/acrefore/9780190228637.013.296.

Oxford. (2020, January). **Turkey: Russian missile purchase will diversify supply**. Oxford Analytica - Daily Brief.

Vera, M.S(2021). "The tightrope walks of Russian-Israeli relations", Available at: <https://imrussia.org/en/analysis>

